

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۶، پیاپی ۱۲۶، زمستان ۱۳۹۶

معیارهای سنجش نسبت جامعه با جاهلیت در نهج البلاغه^۱

هانیه بیگ^۲

شهلا بختیاری^۳

غلامرضا ظریفیان شفیعی^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۴

چکیده

شناخت جاهلیت و متعلقات جامعه شناختی آن از حیث ارتباط بسیار نزدیکش با جامعه صدر اسلام، اهمیت و ضرورت دارد. علاوه بر آن، ماهیت و ویژگی‌های جاهلیت نشان می‌دهد که باید آن را نه منحصر به قبل از اسلام، بلکه نقطه مقابل اسلام و هر تحول بنیادی صورت گرفته در جوامع انسانی دانست. از نخستین گام‌های مطالعه نسبت یک جامعه با جاهلیت، دریافت معانی، مفاهیم و مقوله‌های آن است. در میان منابع موجود در این زمینه، پس از قرآن و احادیث پیامبر (ص)، سخنان علی (ع)

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.15986.1396

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)؛ h.beik@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)؛ sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران؛ zarifyan@ut.ac.ir

اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش، با رویکردی توصیفی و استفاده از روش نظریه بنیاد^۱، از طریق رفت و برگشت مداوم میان تفکر استقرایی (ایجاد مفاهیم، مقولات و روابط بین آنها) و تفکر قیاسی (آزمون مفاهیم، مقولات و روابط بین آنها)، به یافتن معیارهای غالب در سنجش نسبت جامعه با جاهلیت در نهج البلاغه پرداخته است و «ایمان غیرعقلانی» را به عنوان مقوله اصلی در این موضوع پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جاهلیت، جامعه، نهج البلاغه، ضعف اعتقادی، روش

نظریه بنیاد.

مقدمه

تأکید قرآن و سیره پیامبر (ص) بر موضوع بازگشت جامعه به جاهلیت، رویدادهای سده‌های نخستین تاریخ اسلام و طرح مسائل بحث‌انگیز و بی‌پایان اندیشمندان داخل و خارج اسلام در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی گواه بر اهمیت و ضرورت این موضوع و زمینه‌های فراوان مطالعه آن دارد.

عمده معانی جاهلیت عبارتند از نادانی، باور به چیزی خلاف واقع و حق، انجام عملی برخلاف آن چه حق است (راغب اصفهانی، بی تا: ۱/ ۲۰۹؛ ابن منظور، ۱۳۷۴-۱۳۷۵ هـ: ۱۱/ ۱۲۹؛ مصطفوی، بی تا: ۲/ ۱۵۳)، سفاهت، پرخاش‌گری، خودپسندی، سبک‌سری، خشم و نافرمانی در برابر دین خدا، جنگ‌افروزی، خیره‌سری، بی‌بهره‌بودن از خواندن و نوشتن، استبداد، خودسری و بی‌تمدنی (رک: جوادعلی، ۱۹۶۸: ۱/ ۳۷؛ نیکلسون، ۱۳۶۹ ش: ۴۵). از مجموع تعاریف جاهلیت برمی‌آید که برخی آن را جهل در مقابل علم یا عقل یا حلم و برخی به معنای بدی‌های اعتقادی و اخلاقی و رفتاری عرب پیش از اسلام دانسته‌اند؛ اما توجه به معنای اصطلاحی جاهلیت نتیجه دیگری به دست می‌دهد و آن این است که هر چند واژه «جهل» و «جاهل» با همان مفهوم مخالف علم و عالم و یا حلم و حلیم، پیش از

۱. در کاربست روش «نظریه بنیاد» در این مقاله از راهنمایی مستقیم آقای دکتر علی محمد ولوی، استاد تاریخ دانشگاه الزهراء (س) بهره گرفته شده است.

اسلام و نزول قرآن وجود داشته، اما «جاهلی» واژه‌ای است که اگر نه برای اولین بار، اما بیش از پیش در قرآن به کار رفته و مورد توجه واقع شده است. با دقت در قرآن و برخی احادیث به نظر می‌رسد هنگامی که از جاهلیت، در جایی به جاهلیت اولی تعبیر شده (سوره احزاب، آیه ۳۳)^۱ بدین معنی است که جاهلیت دیگری نیز وجود دارد که باید آن را جاهلیت آخری نامید و نه جاهلیت دوم، چرا که تعبیر جاهلیت اولی در مقابل جاهلیت دیگر است، نه اول در مقابل دوم و سوم و... بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً اسلام مرز بین خود و جاهلیت را تعیین کرده است، نه این که دوره آن را تمام شده تلقی کند. ثانیاً با توصیف بعضی مسلمانان به داشتن برخی رفتارهای جاهلی^۲ به این نکته اشاره دارد که جاهلیت در انسان به صرف مسلمان شدن زودده نمی‌شود، بلکه رسوبات و آثار و میل به بازگشت به آن همواره وجود دارد. مفهوم آن نیز معادل تمام آن چیزی است که در برابر اعتقاد به اسلام به عنوان انقلابی با اهداف بنیادی در تحول ارزش‌های فردی و اجتماعی مردم قرار داشته است. بنابراین تسری مفهوم جاهلیت و تعمیم آن به سه حوزه اعتقادی و اخلاقی و رفتاری انسان‌ها در هر دو دوره قبل و بعد از اسلام و نیز در مورد هر انسانی اعم از مسلمان یا غیرمسلمان پذیرفتنی است.^۳

درباره نسبت جاهلیت اولی و اخیری در تحرکات و روی دادهای برجسته دینی قبل و بعد از اسلام می‌توان گفت قبل از اسلام اعتقاد به هریک از ادیان الهی فصل تمایز آن با

۱. درباره دیدگاه‌های مختلف در تفسیر جاهلیت اولی و اخیری برای مثال ر.ک: طبری، بی‌تا: ۲۶۰/۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ۳۳۹/۸؛ فخررازی، ۱۴۲۱/۲۰۰: ۱۶۷.

۲. دلیل و مصداق این مطلب آیات و روایاتی است که بعد از اسلام و خطاب به مسلمانان و ملامت آن‌ها به سبب داشتن برخی رفتارهای جاهلی نازل یا وارد شده است، چنان که مثلاً پیامبر(ص) به ابوذر یا ابوالدرداء که مردی را به خاطر مادرش سرزنش کرده بود، فرمود: «انک امرء فیک جاهلیه» (نیشابوری، بی‌تا: ۹۳/۵)؛ و نیز علی(ع) در سرزنش نافرمایان فرموده است: «الا و انکم قد نفضتم ایدیکم من جبل الطاعه، و ثلمتم حصن الله المضروب علیکم باحکام الجاهلیه... و اعلموا انکم صرتم بعدالهجره اعرابا و بعد الموالاه احزابا ما تعلقون من الاسلام الا باسمه و لاتعرفون من الایمان الا رسمه» (نهج البلاغه، ۱۴۴۲: ۲۹۸)؛ در این زمینه همچنین رجوع کنید به بخاری، ۱۴۰۱-۱۹۸۱: ۱۳/۱؛ ابن عبد ربّه، ۱۴۰۸-۱۴۱۱/۱۹۸۸-۱۹۹۰: ۱۱۳/۵؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۳۷۹/۱.

۳. درباره نظرات مختلف پیرامون مفهوم جاهلیت و نسبت آن با اسلام و نیز منحصر نبودن آن به قبل از اسلام ر.ک: Blachere, 1952: 1/30; Izutsu, 1996: 28; Goldziher, 1967-1971: 1/201-208; Rosenthal, 1970: 32-33; Watt, 1979: 24-25.

جاهلیتی بوده که در آن زمان وجود داشته است، اما بعد از اسلام علاوه بر تسلیم در برابر حق و ما جاء به النبی که یکی از وجوه تمایز اسلام و جاهلیت است، برخی عقاید یا رفتارهای ظاهراً اسلامی و با رنگ دین می‌تواند مصداق جاهلیت باشد.^۱

از میان منابع فرارو در این موضوع، سخنان علی(ع) قابل توجه است. او با اشراف بر هر دو جاهلیت پیش و پس از اسلام، هم در ادامه اقدام پیامبر(ص) درباره قرآن، آیاتی را که به موضوع جاهلیت پرداخته، تفسیر و تبیین کرده و هم کوشیده از بازگشت جامعه به مختصات فردی و اجتماعی دوران جاهلیت جلوگیری نماید. بدیهی است از میان تمام سخنان علی(ع) در این زمینه، بهره‌گیری از نهج‌البلاغه به دلیل گزینش و تقسیم‌بندی آن، و همچنین قابلیت پذیرش آن، مطمئن‌تر و راه رسیدن به مطلوب از این طریق آسان‌تر است. این اثر همچنین پس از قرآن تنها متن به‌دست‌رسیده از صحابه است که در آن فضای جاهلیت و اسلام در کنار یکدیگر مقایسه شده است. بنابر آن چه آمد این پژوهش صرف‌نظر از میزان صحت صدور گزاره‌ها از جانب علی(ع)، با رویکرد توصیفی و استفاده از روش نظریه‌بنیاد به جستجوی مقوله‌های محوری در توصیف جاهلیت در نهج‌البلاغه پرداخته است تا از این طریق به معیارهای سنجش نسبت یک جامعه با جاهلیت دست یابد. هرچند موضوع جاهلیت در نهج‌البلاغه در نوشته‌های متعددی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است،^۲ اما پرداختن صرف به تفسیر و غلبه نگاه جانب‌دارانه در آن و عدم به‌کارگیری روشی نظام‌مند، مطالعه این موضوع را به گونه‌ای روشمند و با دقت و عمقی قابل توجه ضروری می‌نماید.

۱. چنان‌که در تهذیب‌الاحکام، سیره امام زمان(ع) هنگام ظهور همانند پیامبر(ع) در آغاز اسلام، مبارزه با جاهلیت دانسته شده است(ر.ک: طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴/۶).

۲. مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «فرهنگ جاهلیت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه» از نرگس مروج به راهنمایی سید محمدمهدی جعفری، دانشگاه آزاد اسلامی فسا، سال ۱۳۸۰ که به فرهنگ و آداب و رسوم و ارزش‌های مردم در دوران جاهلیت با تکیه بر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته و موضوعات اخلاق، احکام و عقاید جاهلیت را در آن‌ها بررسی کرده است.

روش پژوهش

در این پژوهش سعی شده است برای دست‌یابی به معیارهای سنجش جاهلیت، با به-کارگیری روش نظریه‌بنیاد (مبنا)^۱، براساس صورت‌بندی الگوی پارادایمی اشتراوس و کورین (Strauss, A, & Corbin, J, 1998: 127)^۲ گزاره‌های توصیف جاهلیت در گفتار علی (ع) عمیق‌تر و دقیق‌تر بررسی شود، براساس این روش، داده‌ها پس از استخراج از نهج-البلاغه در دو سطح کدگذاری باز^۳ و کدگذاری محوری^۴ مفهوم‌یابی و مقوله‌یابی شده و در سطح سوم که کدگذاری انتخابی^۵ نام دارد، پس از پردازش مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر، به مدل‌سازی در قالب فرضیه پرداخته شده است.

درباره این روش چند نکته قابل توجه است: نخست این که روش نظریه‌بنیاد ابتدا در جامعه‌شناسی توسعه یافته استفاده شد و پس از آن در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، مردم-شناسی، پرستاری، تعلیم و تربیت و مدیریت نیز با اندکی تفاوت در بعضی اصول روشی به کار گرفته شد (Goulding, 2000: 836). قابلیت بهره‌گیری و کیفیت کارآمدی این روش در مطالعات تاریخی ظاهراً برای نخستین بار در مقاله‌ای از علی محمد ولوی و هانیه بیگ، با عنوان «انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین» مطرح شده است.^۶ نظر به تازگی کاربردی این روش در مطالعات تاریخی و نیز اندک تفاوت‌های روشی که در فرایند بومی‌سازی آن برای مطالعات تاریخی وجود دارد، انجام چنین پژوهش‌هایی با هدف نشان‌دادن قابلیت‌های این روش در مطالعات تاریخی همچنان ضروری است.

مهم‌ترین تفاوت روشی این اثر به‌عنوان یک پژوهش تاریخی در شکل داده‌های مورد استفاده است؛ چنان‌که در روش نظریه‌بنیاد، متن از طریق مصاحبه تولید می‌شود، اما در پژوهش‌های تاریخی (به جز تاریخ شفاهی) گزاره‌ها پس از استخراج و یکپارچه‌سازی به

1. Grounded Theory

۲. این کتاب با عنوان «مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای» توسط ابراهیم افشار ترجمه و به همت نشر نی به چاپ رسیده است.

3. Open coding

4. Axial coding

5. Selective coding

۶. علی محمد ولوی، هانیه بیگ، (زمستان ۱۳۹۲)، «انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین»، *مطالعات*

تاریخ فرهنگی (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن ایرانی تاریخ)، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۰۹-۱۲۶.

مثابه مصاحبه در نظر گرفته می‌شوند و در سطوح مختلف کدگذاری روی آن‌ها صورت می‌پذیرد.

در پایان ذکر دو نکته لازم است: نخست این که با توجه به روش مورد استفاده، این پژوهش در پی تبیین موضوع نخواهد بود و در این مرحله فقط در سطح مقوله‌یابی، موضوع را مورد مطالعه قرار خواهد داد. دیگر این که این پژوهش هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر کامل و بی‌نقص بودن کدگذاری‌ها و رمزگشایی‌ها ندارد و راه برای پژوهش‌های دقیق‌تر در این زمینه براساس روش نظریه‌بنیاد همچنان باز است.

متن گفتارهای علی(ع) در توصیف جاهلیت

- (۱) و اصطفی سبحانه من ولده انبیاء اخذ علی الوحی میثاقهم، و علی تبلیغ الرساله امانتهم، لَمَّا بَدَلْ اَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ (الف)، فجهلوا حقه (ب)، و اتخذوا الانداد معه (ج)، و اجتالتهم الشیاطین عن معرفته (د)، و اقتطعتهم عن عبادته (هـ) (نهج البلاغه، ۱۴۴۲: ۴۳).
- (۲) و الناس فی فتن انجذم فیها جبل الدین (الف)، و ترزعزت سواری الیقین (ب)، و اختلف النجر (ج)، و تشتت الامر (د)، و ضاق المخرج (هـ)، و عمی المصدّر (و)، فالهّدی شامل (ز)، و العمی شامل (ح)، غصی الرحمن (ط)، و نصر الشیطان (ی)، و خذل الایمان (ک)، فانهارت دعائمه (ل)، و تنكرت معالمه (م)، و درست سبئه (ن)، و عفّت شرکته (س)، اطاعوا الشیطان، فسلكوا مسالکّه، و وردوا مناهله، بهم سارت أعلامه، و قام لؤاؤه، فی فتن داستهم باخفافها، و وطئتهم باظلافها، و قامت علی سناپکها، فهم فیها تائهون حائرون جاهلون مفتونون (ع). فی خیر دار و شر جیران (ف). نوّمهم شهود (ص)، و کحلهم دموع (ق)، بارض عالمها ملجم (ر)، و جاهلها مکرّم (ش) (همان: ۴۷).
- (۳) علی شرّ دین (الف)، و فی شرّ دار (ب)، مَنیخون بین حجاره حُشن (ج)، و حیاتِ صمّ (د)، تشربون الکدر (هـ)، و تأکلون الجشِب (و)، و تسفکون دماءکم (ز)، و تقطعون أرحامکم (ح)، الا صنمٌ فیکم منصوبه (ط)، و الآثامُ بکم معصوبه (ی) (همان: ۶۸).
- (۴) لیس احد من العرب یقرأ کتابا (الف) و لا یدعی نبوه (ب). فساق الناس حتی بوأهم محلّتهم، و بلغهم منجاتهم، فاستقامت قناتهم (همان: ۷۷).

- ۵) أرسله على حين فتره من الرسل (الف)، و طول هجعه من الأمم (ب)، و اعتزام من الفتن (ج)، و انتشار من الامور (د)، و تَلَطَّ من الحروب (هـ). و الدنيا كاسفه النور (و)، ظاهره الغرور (ح)، على حين اصفرار من ورقها (ط)، و اياس من ثمرها (ي)، و اغورار من مائها (ك). قد درست منار الهدى (ل)، و ظهرت اعلام الردى (م). فه متجهمة لاهلها (ن)، عابسة في وجه طالبها (س)، ثمرها الفتنه (ع)، و طعامها الجيفة (ف)، و شعارها الخوف (ص)، و دثارها السيف (ق) (همان: ۱۲۱).
- ۶) ترد عليكم فنتهم شوهاء مخشيه، و قطعاً جاهلية (الف)، ليس فيها منار هدى (ب)، و لا علم يرى (ج) (همان: ۱۳۸).
- ۷) و الناس ضلال في حيره (الف)، و خابطون في فتنه (ب)، قد استهوتهم الأهواء (ج)، و استرلتهم الكبرياء (د)، و استخفتهم الجاهلية الجهلاء (هـ)، خيارى فى زلزال من الأمر (و)، و بلاء من الجهل (ز) (همان: ۱۴۰).
- ۸) حتى إذا قبض الله رسوله صلى الله عليه و آله رجع قوم على الأعقاب (الف) و غالتهم السبل (ب)، و أتكلوا على الولايع (ج)، و وصلوا غير الرحم (د)، و هجروا السبب الذى أمرؤا بمودته (هـ)، و نقلوا البناء عن رص أساسه (و)، قبنوه فى غير موضعه (ز). معادن كل خطيئه (ح)، و ابواب كل ضارب فى عمره (ط). قد ماروا فى الحيره (ي)، و ذهلوا فى السكره، على سنه من آل فرعون (ك): من منقطع الى الدنيا راكن، او مفارق للدين مباين (ل) (همان: ۲۰۹).
- ۹) أرسله على حين فتره من الرسل، و طول هجعه من الأمم (الف)، و انتقاض من المبرم (ب) (همان: ۲۲۳).
- ۱۰) و لا تكونوا كجفاه الجاهليه (الف)، لا فى الدين يتفقّهون (ب)، و لا عن الله يعقلون، كقيض بيض فى أداح يكون كسرّها وزراً، و يُخرج حضانها شراً (ج) (همان: ۲۴۰).
- ۱۱) يا اخوتاه! انى لست اجهل ما تعلمون، و لكن كيف لى بقوه و لقوم المجلبون على حد شوكتهم، يملكونا و لانملكهم، و هاهم هولاء قد ثارت معهم عبدانكم (الف)، و التفت اليهم اعرابكم (ب)، و هم خلالكم يسومونكم ماشاؤوا (ج)، و هل ترون موضعاً لقدرة

على شىء تريدونه؟ (د) و إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ جَاهِلِيَّةٌ (هـ)، و إِنَّ لَهُؤْلَاءِ الْقَوْمِ
مَادَّةً (هـ) (همان: ٢٤٣).

١٢) ارسله و أعلامُ الهدى دارسةُ (الف)، و مناهجُ الدين طامسةُ (ب) (همان: ٣٠٨).

١٣) بعثه حين لا علمُ قائمٌ (الف)، و لا منازُ ساطعٌ (ب)، و لا منهنجٌ واضحٌ (ج) (همان: ٣١٠).

١٤) إن الله سبحانه بعث محمداً صلى الله عليه و آله بالحق حين ذنا من الدنيا الإنقطاعُ (الف)،
و أقبل من الآخرة الإطلاعُ (ب)، و أظلمت بهجتها بعد إشراق (ج)، و قامت بأهلها على
ساق (د)، و خشن منها مهادٌ (هـ)، و أزف منها قيادٌ (و). فى إنقطاع من مدتها (ز)، و اقتراب
من أشراطها (ح)، و تصرّم من أهلها (ط)، و انفصام من حلقتها (ى)، و انتشار من
سببها (ك)، و عفاء من أعلامها (ل)، و تكشّف من عورتها (م)، و قصر من
طولها (ن) (همان: ٣١٥).

١٥) فصّدغ بما أمر به، و بّلغ رسالات ربه، فلم الله به الصّدغ، و رتق به الفتق، و ألف به
الشمل بين ذوى الأرحام بعد العداوة الواغره فى الصدور (الف)، و الضغائن القادحة فى
القلوب (ب) (همان: ٣٥٣).

١٦) إبتعته و الناس يضربون فى غمره (الف)، و يموجون فى حيره (ب)، قد قادتهم أزمه
الحين (ج)، و استعلقت على أفئدتهم أفعال الرين (د) (همان: ٢٨٣).

١٧) فأطفئوا ما كمن فى قلوبكم من نيران العصبه (الف)، و أحقاد الجاهليه (ب)، فإنما تلك
الحميّه تكون فى المسلم من خطرات الشيطان و نحواته (ج)، و نزغاته و نقاته (د) (همان:
٢٨٨).

١٨) ألا و قد أمعنتم فى البغى (الف)، و أفسدتم فى الارض (ب)، مُصارحه لله بالمُناصبه (ج)،
و مبارزة للمؤمنين بالمُحاربه (د). فالله الله فى كبر الحميّه (هـ)، و فخر الجاهليه (و)، فإنه
ملاقح الشنان، و منافخ الشيطان، التى خدغ بها الأمم الماضيه، و القرون الخاليه، حتى
أعنفوا فى حنادس جهالته، و مهاوى ضلالته، ذللاً عن سياقه، سُلساً فى قياده، أمراً
تشابهت القلوب فيه (ز)، و تتابعت القرون عليه (ح)، و كبراً تضايقت الصدور به (ط). ألا
فالحذر الحذر من طاعه ساداتكم و كُبرائكم (ى)، الذين تكبروا عن حسبهم (ك)، و
ترفعوا فوق نسبهم (ل)، و ألقوا الهجينه على ربهم (م)، و جاحدوا الله على ما صنع

بهم (ن)، مُكَابِرَةٌ لِقَضَائِهِ (س)، و مُعَالِبَةٌ لِآلَائِهِ (ع)، فإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أُسَاسِ الْعَصِيَّةِ (ف)، و دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ (ص)، و سُيُوفُ اعْتِزَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ (ق). فاتقوا الله و لا تكونوا لنعمه عليكم أصداداً، و لا لفضله عندكم حُساداً، و لا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ، و خَلَطْتُمْ بِصِخْرَتِكُمْ مَرَضَهُمْ، و أَدْخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ، و هم أُسَاسُ الْفُسُوقِ، و أَحْلَاسُ الْعُقُوقِ، اتَّخَذَهُمْ إِبْلِيسُ مَطَايَا ضَلَالٍ (ر)، و جُنْدًا بِهِمْ يَصُولُ عَلَى النَّاسِ، و تَرَاجِمَهُ يَنْطِقُ عَلَى السِّتِّهِمْ، اسْتِرَاقًا لِعُقُولِكُمْ، و دُخُولًا فِي عُيُونِكُمْ، و نَفْثًا فِي أَسْمَاعِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ مَرْمَى نَبِيلِهِ، و مَوَاطِي قَدَمِهِ، و مَأْخَذًا يَدِيهِ (همان: ۲۸۹ و ۲۹۰).

۱۹) الا و انکم قد نفضتم ایدیکم من جبل الطاعة (الف)، و ثلتمت حصن الله المضروب علیکم باحکام الجاهلیه (ب)، فان الله سبحانه قدامتن علی جماعه هذه الامه فیما عقد بینهم من جبل هذه الالفه التي ينتقلون فی ظلها (ج)، و یاوون الی کنفها (د)، بنعمه لا یعرف احد من المخلوقین لها قیمه (ه)، لانها ارجح من کل ثمن (و)، و اجل من کل خطر (ز). و اعلموا انکم صرتم بعدالهجره اعرابا (ح) و بعد الموالاه احزابا (ت)، ما تعلقون من الاسلام الا باسمه و لاتعرفون من الايمان الا رسمه (ی) (همان: ۲۹۸).

شناسایی مفاهیم احادیث (سطح یک، کدگذاری باز)

در این سطح داده‌ها به صورت مجزا خُرد، شناسایی و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در بررسی موشکافانه‌ای مقایسه و پس از آن براساس ماهیت یکسان مفهومی و یا طیف یکسان معنایی، ذیل مفاهیم انتزاعی تر «مقوله‌یابی» شدند. عمده مقوله‌هایی که از مضمون هر یک از خطبه‌ها به دست آمد، عبارتند از: شرک، عدم معرفت حق، گمراهی فراگیر، اطاعت شیطان، عدم ایمان، فتنه، حیرانی حاصل از جهل، عزت جاهلان، سکوت عالمان، بدترین دین، بدترین زندگی، بی‌سوادی، نومی‌دی، فترت در رسالت، کبر، بستگی به دنیا، گسستگی از دین حق، عدم تعقل، دشمنی کینه‌توزانه، گسیختگی‌های اجتماعی و گسست وحدت.

شناسایی مقوله‌های محوری (سطح دو، کدگذاری محوری)

پس از کدگذاری باز و یافتن مفاهیم و مقوله‌های گزاره‌ها در سطح یک، در این مرحله مقوله‌های محوری شناسایی و ارتباط آن‌ها با مقوله‌های فرعی در ویژگی‌ها و ابعادشان

بررسی خواهند شد. حاصل این بخش براساس الگوی پارادایمی نظریه بنیاد در پنج بخش شرایط سبب ساز(علی)، شرایط دخیل، شرایط متکی بر زمینه، عمل/تعامل‌های راهبردی و پیامد، رمزگشایی شده که در جدول ذیل قابل ملاحظه است.^۱ با توجه به این که براساس این الگو، کشف مقوله‌ها صرفاً از درون داده‌ها(متن گزاره‌ها) صورت می‌گیرد، خانه مربوط به بخش‌هایی که در بعضی گزاره‌ها قابل شناسایی نبود، در جدول خالی است. تحلیل نتایج جدول برای یک پارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در مرحله بعدی صورت گرفته است.

پیامد	عمل / تعامل راهبردی	شرایط متکی بر زمینه	شرایط دخیل	شرایط سبب ساز	مقوله محوری	گزاره‌ها	شماره
تبدیل عهد خدا به امور باطل	وصف شرایط بعثت پیامبران			بازداشته شدن از معرفت حق	ضعف اعتقادی	الف، ب، ج، د، هـ	۱
نآدانی و حیرانی	هشدار ظهور آثار شیطان	میزان بالای متابعت	متابعت از شیطان	فتنه	ضعف اعتقادی	الف، ب، ط، ی، ک، ل، م، ن، س، ع	۲
					ناهنجاری اجتماعی	ج، د، هـ، ف، ص، ق، ر، ش	
					ضعف فکری	و، ز، ح	
	توصیف شرایط به بدترین دین و بدترین خانه			بت پرستی	ضعف اعتقادی	الف، د، ط، ی	۳
					ناهنجاری اجتماعی	ب، ج، ز، ح	
					فقر اقتصادی	هـ و	
				بی سوادی مردم	فترت رسالت	الف، ب	۴
گمراهی آشکار در اثر فتنه	تمثیل‌های دقیق و رعایت ترتیب در شرح اجزای	طولانی بودن غفلت	غفلت مردم	فترت رسالت	ضعف اعتقادی	الف	۵
					ضعف فکری	ب، ل، م، ن، س	
					ناهنجاری	ج، د، هـ، و	

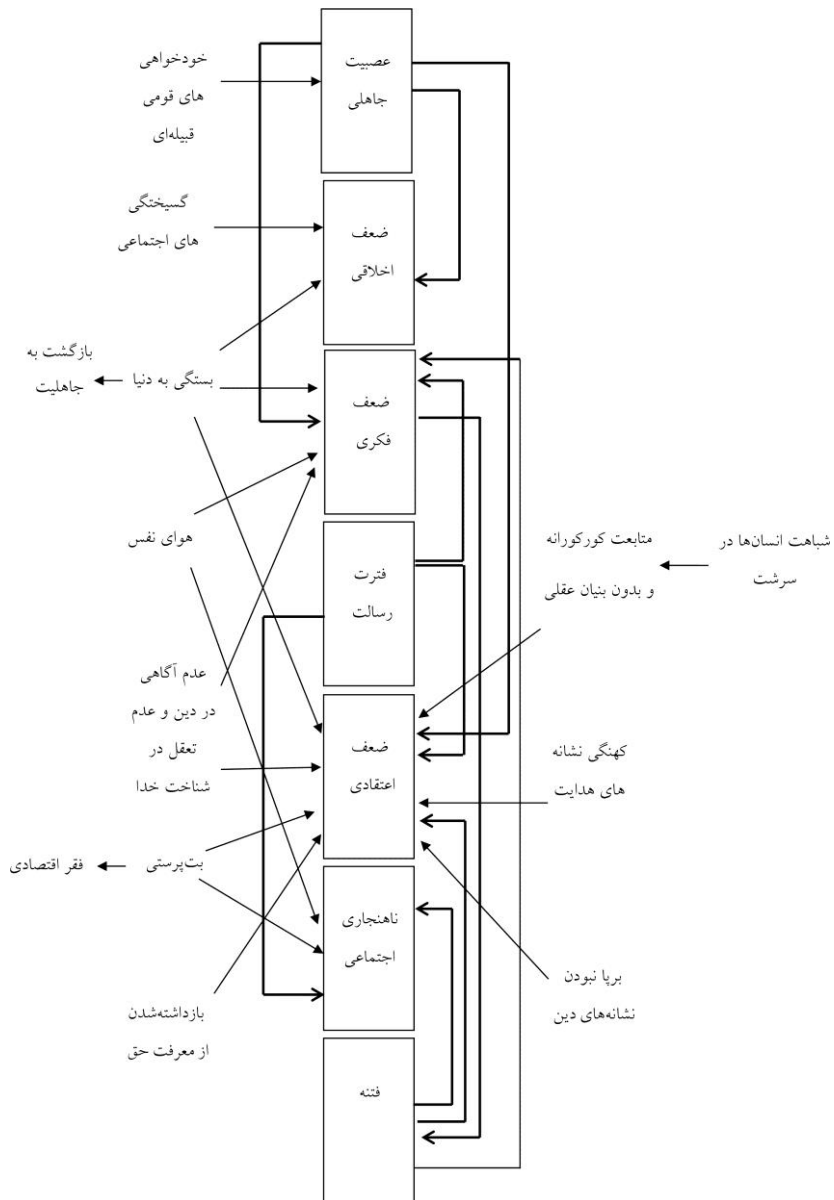
۱. برای اطلاع دقیق و مطالعه بیشتر درباره این الگوی پارادایمی ر کف: Strauss, A, & Corbin, J, 1998: chap2.

شماره مقاله	گزاره‌ها	مقوله محوری	شرایط سبب‌ساز	شرایط دخیل	شرایط متکی بر زمینه	عمل / تعامل راهبردی	پیامد
۶	ح، ط، ی، ک، ع، ف، ص، ق، الف	اجتماعی				مقوله	
	ب، ج	فتنه	ضعف فکری			بیان ویژگی - های فتنه در بُعد فکری	
۷	الف، ب، ه، و	ضعف فکری	هواهای نفسانی	جاهلیت	شدت بالای جاهلیت (جاهلیت محض)	توصیف شرایط بعثت پیامبر (ص)	حیرانسی در گمراهی
	ج، د	ضعف اخلاقی					
	ز	ناهنجاری اجتماعی					
۸	الف، ج، و، ز، ی، ک	بازگشت به جاهلیت	بستگی به دنیا و گسست از دین			توصیف شرایط پس از رحلت پیامبر (ص)	جابه‌جایی ساختارهای اجتماعی از موضع اصلی به غیر آن
	ب، د، ه، ح، ط						
	ل						
۹	الف، ب	ضعف فکری	فترت رسالت				
۱۰	الف	ضعف اخلاقی	عدم آگاهی			انذار از رفتن به راه جاهلیت	ستم کاری
	ب	ضعف فکری	در دین و تعقل در شناخت خدا				
	ج	ضعف اعتقادی					
۱۱	الف، ب، ج، د، ه	توصیف رفتار [قاتلان عثمان] به رفتار جاهلی	وجود آراء مختلف درباره موضوع	اصرار اطرافیان علی (ع) به موضع‌گیری عملی	میزان بالای اصرار	توصیف وضع موجود و موقعیت قاتلان	نتیجه‌گیری به عدم قدرت بر موضع‌گیری عملی
۱۲	الف، ب	ضعف اعتقادی	کهنگی نشانه‌های هدایت			توصیف شرایط بعثت پیامبر (ص)	
۱۳	الف، ب، ج	ضعف اعتقادی	برپا آمدن نشانه‌های دین			توصیف شرایط بعثت پیامبر (ص)	
۱۴	الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط، ی، ک، ل، م، ن	ناهنجاری اجتماعی				توصیف شرایط بعثت پیامبر (ص)	
۱۵	الف، ب	ضعف اخلاقی	گسیختگی ه			توصیف	

شماره مقاله	گزاره‌ها	مقوله محوری	شرایط سبب‌ساز	شرایط دخیل	شرایط متکی بر زمینه	عمل / تعامل راهبردی	پیامد
			ای اجتماعی			رسالت پیامبر(ص) و نتایج آن	
۱۶	الف	ضعف اعتقادی				توصیف رسالت پیامبر(ص)	هلاکت
	ب،ج،د	ضعف فکری					
۱۷	الف،ب،ج	عصیت جاهلی	حضور پنهان خودخواهی قبیله‌گسی در مسلمانان	وسوسه‌های شیطان		توصیه به ترک عصیت و کینه‌های جاهلی	
	د						
۱۸	الف،ب،د، ه،و،ط،ی، ک،ل،ق	ضعف اخلاقی	عصیت جاهلی	پیروی از بزرگان گمراه	شباهت انسان‌ها در سرشت	توصیه به ترک عادات جاهلی با توجه دادن به گذشته	
	ج،ز،ح،م،ن، س،ع،ف،ص	ضعف اعتقادی					
	ر	ضعف فکری					
۱۹	الف، ب، ح، ت، ی	گسست وحدت	ضعف اعتقادی(عدم اطاعت الهی و بازتولید احکام جاهلی)			توصیف ارزش وحدت به‌عنوان گران‌قدرترین والاترین کرامت اعطا شده از سوی خدا	تفرق احزاب و اسلام ظاهری و ایمان غیرحقیقی

کشف مقوله مرکزی (سطح سه، کدگذاری گزینشی)

مقوله‌های محوری داده‌های مورد مطالعه، چنان که ملاحظه شد، در هفت محور کلی به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: ناهنجاری‌های اجتماعی، ضعف اعتقادی، ضعف فکری، ضعف اخلاقی، عصیت جاهلی، فترت رسالت و فتنه. در این سطح برای پالایش و یک-پارچه‌سازی مقوله‌ها و کشف مقوله مرکزی، ارتباط معنایی و ابعادی هفت مقوله محوری گزاره‌ها با مقوله‌های فرعی آنها، مورد تحلیل قرار گرفته و در مجموعه ذیل قابل مشاهده است.



این مجموعه نشان می‌دهد که از میان هفت مقوله محوری، «ضعف اعتقادی» با سه مقوله محوری فتنه، فترت رسالت، عصیبت جاهلی، و هفت مقوله فرعی متابعت بدون بنیان عقلی، کهنگی نشانه‌های هدایت، برپا نبودن نشانه‌های دین، بازداشته شدن از معرفت حق، بت پرستی، عدم آگاهی در دین، عدم تعقل در شناخت خدا و هوای نفس ارتباط مستقیم

دارد و با دیگر مقوله‌ها به صورت غیرمستقیم مرتبط است. به عبارت دیگر، تمام مقوله‌های به‌دست آمده با مقوله ضعف اعتقادی به طور مستقیم و غیرمستقیم در رابطه رفت و برگشتی هستند. شش مقوله دیگر و حتی مقولاتی که ممکن است با روش‌های دیگر از این داده‌ها استنباط شود نیز کمابیش با این مقوله ریشه‌ای در ارتباط است. بنابراین حاصل آنچه از رمزگشایی مفاهیم مقوله‌ها (سطح یک و دو) به دست می‌آید این است که مسئله اصلی مورد نظر علی (ع) درباره ریشه ناهنجاری‌های اجتماعی و ضعف اعتقادی است.

ارتباط معنایی و ابعادی مقوله‌های اصلی و فرعی با «ضعف اعتقادی» به‌عنوان مقوله محوری اشباع شده (نمودار حاصل از کدگذاری گزینشی) و نیز با یکدیگر (جدول الگوی پارادایمی) نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق شرایط سبب‌ساز این ناهنجاری ریشه‌ای حول **عدم تعقل** و عدم شناخت حق و دین قرار دارند. مهم‌ترین شرایط دخیل در این امر، **غفلت عمیق، جاهلیت محض و متابعت بی‌بنیان عقلی** است که حاصل آن **حیرانی در گمراهی آشکار** خواهد بود. دستاورد سرنوشت‌ساز این گمراهی نیز گسست وحدت و در پی آن اسلام ظاهری و **ایمان غیر حقیقی** صاحبان آن است که منجر به هلاکت جامعه خواهد شد. بنابر همین روابط معنایی و به‌ویژه ابعادی مقوله‌های فرعی، که در جدول الگوی پارادایمی آمده است، هر **معرفت** و شناختی که از یک سو در پیوند و **توکیبی عاقلانه با ایمان قلبی** قرار گیرد، و از سوی دیگر منجر به **حرکت** و تولید عملی با هدف عقلانی شود، عقیده‌ای است در مسیر حق که به ظهور **نشانه‌های دین، وحدت و ایمان حقیقی** می‌انجامد،^۱ در غیر این صورت، آن معرفت **جهلی** است که نه تنها به سکون منجر می‌شود، بلکه موجب **بازداشته‌شدن از معرفت حق** خواهد شد.

نتیجه‌گیری

دریافت معانی، مفاهیم و مقولات جاهلیت از نخستین گام‌های دست‌یابی به معیارهای سنجش نسبت جامعه با آن است. براساس جستجوی انجام شده در گزاره‌های توصیف

۱. برای قرینه این تعریف از عقیده به عنوان معرفتی هدفمند و با ویژگی‌های خاص و ملازمت آن با ایمان در منابع لغوی ر ک، راغب اصفهانی، بی تا: ۵۷۴؛ ابن منظور، ۱۳۷۴-۱۳۷۵ هـ: ۳/۲۹۷، مصطفوی، بی تا: ۸/۲۲۹؛ و نیز برای ارتباط مفهوم ایمان و عقیده در آیات قرآن ر ک، سوره نساء، آیه ۳۳ و سوره مائده، آیه ۸۹.

جاهلیت در نهج البلاغه موضوع مشترک قریب به اتفاق سخنان علی(ع) ضعف اعتقادی، فکری، اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی حاصل از آن است. علت این امر را می‌توان در فاصله بسیار کم جامعه صدر اسلام با بستر و فضای جاهلی، نه تنها از نظر زمانی (گزاره ۱۸)، بلکه بیش از آن به لحاظ اعتقادی و فکری و اخلاقی جستجو کرد (گزاره‌های دیگر)، که نتیجه آن باقی ماندن رسوبات عقیدتی و فکری و اخلاقی جاهلی در روح جامعه است. با توجه به آن‌چه در مفهوم جاهلیت و قابلیت تعمیم آن به هر زمان و هر جامعه‌ای اعم از مسلمان و غیرمسلمان آمد، و نیز آن‌چه در سطح کدگذاری انتخابی حاصل شد، براساس روش نظریه‌بنیاد این فرضیه را می‌توان نتیجه گرفت که به نظر می‌رسد «معیار اصلی سنجش نسبت جامعه با جاهلیت از منظر علی(ع)، ایمان غیر عقلانی است». بدیهی است دستیابی به مفهوم دقیق این فرضیه و مطالعه ریشه‌ها و بسترهای رشد و عوامل استمرار آن می‌تواند در پژوهشی مستقل با روش تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، هرمنوتیک و مانند آن در محدوده همین داده‌ها صورت پذیرد. همچنین تمیم و تکمیل روابط میان مقوله‌ها، با مطالعه سیره نظری و عملی علی(ع) در منابع دیگر قابل انجام است؛ و آخرین نکته این‌که فرضیه به دست آمده در سنجش با دیگر داده‌ها و استفاده از روش‌های پژوهشی دیگر قابل آزمون است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (۱۴۴۲). *تصحیح صبحی صالح*. قم: دارالهجره.
- ابن حنبل، احمد (بی تا). *مسند الامام احمد بن حنبل*. بیروت: دارصادر.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۸-۱۴۱۱/۱۹۸۸-۱۹۹۰). *العقد الفرید*. بیروت: چاپ علی شیری.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴-۱۳۷۵هـ). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱-۱۹۸۱). *صحیح البخاری*. استانبول: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). *مفردات ألفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم.

- طبری، محمد بن جریر (بی تا). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دارالمعرفه.
 - طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). **تهذیب الاحکام**، تهران: چاپ حسن موسوی خراسان.
 - _____ (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: چاپ احمد قصیر عاملی.
 - علی، جواد (۱۹۶۸). **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**. بیروت: دارالعلم للملایین.
 - فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۱-۲۰۰۰). **التفسیر الکبیر**، بیروت: بی نا.
 - مصطفوی، حسن (بی تا). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). **جامع الصحیح**. بیروت: دارالفکر.
 - نیکلسون، رینولد الین (۱۳۶۹ش). **تاریخ ادبیات عرب**. ترجمه کیوان دخت کیوانی، حواشی و توضیحات ضیاءالدین سجادی. تهران: رایزن.
-
- Blachere, Regis, (1952), *Histoire de la litterature arabe des origines a la fin du xve sicle de J.C*, A. Maisonneuve.
 - Goldziher, Ignac, (1967-1971), *Muslim studies*, Translation of Muhammedanische studien, Aldine Pub.
 - Goulding, C, (2000), " *The commodification of the past, postmodern pastiche, and the search for authentic experiences at contemporary heritage attractions*", *European Journal of Marketing*, vol 34, Iss 7.
 - Rosenthal, franz, (1970), *Knowledge triumphant: the concept of knowledge in medieval Islam*, Leiden, Boston, brill.
 - Strauss, A, & Corbin, J, (1998), *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*, Los Angeles, Calif., Sage Publications, 2nd ed.
 - Izutsu, Toshihiko, (1996), *Ethico religious concepts in the Quran*, Montreal.
 - Watt, William Montgomery, (1979), *Muhammad at Mecca*, Karachi.